

حقوق بشر، پاشنه آشیل جمهوری اسلامی، احمد هاشمی

چهارشنبه، ۲۷ فروردین، ۱۳۹۳

منبع این مطلب [گویا](#)

نویسنده مطلب: [احمد هاشمی](#)

Share

مطالب منتشر شده در این صفحه نمایانگر سیاست رسمی رادیو زمانه نیستند و توسط کاربران تهیه شده اند. شما نیز می‌توانید به راحتی در تریبون زمانه [عضو شوید](#) و مطالب خود را منتشر کنید.

حقوق بشر، پاشنه آشیل جمهوری اسلامی، احمد هاشمی

حال که رهبر جمهوری اسلامی، با زیر پا گذاشتن یکی از ارکان ثابت سیاست خارجی نظام یعنی آشتی ناپذیری و عدم مذاکره با آمریکا، و متوسل شدن به نرمشی قهرمانانه و فشردن دست های چدنی شیطان بزرگ زیر دستکش مخملی، جام زهر هسته ای را تا جرعه آخر نوشیده و آماده مصالحه و امتیازدهی می باشد، چرا باید یک قطع نامه غیر الزام آور تا این میزان نگرانی، خشم، رمیدگی، سردرگمی و واکنش را به همراه داشته باشد؟

همزمان با جدی تر شدن مذاکرات هسته ای و احتمال دستیابی به یک توافق پایدار بین ایران و شش قدرت جهانی در ماه های پیش رو، انتشار قطعنامه ای حقوق بشری از سوی پارلمان اروپا خشم و عصبانیت بی سابقه ای را در بین دولتمردان جمهوری اسلامی رقم زد.

مشاور بین الملل رهبر این قطعنامه را غیر عادلانه و بی پایه می خواند؛ خبرگزاری فارس مناظره «بررسی قطعنامه پارلمان اروپا» برگزار می کند؛ احمد جنتی، نمایندگان پارلمان اروپا را عده ای سفیه می نامد؛ مرضیه افخم قطعنامه را غیر واقع بینانه و منعکس کننده ادعاهای بی اساس حقوق بشری می خواند؛ وزارت خارجه، سفیر یونان را به نشانه اعتراض فرا می خواند؛ آملی لاریجانی، آنرا نشان دهنده خوی استکباری غربی ها می داند؛ برادر متفرعش، علی لاریجانی، در صدد آموختن این نکته به اروپائیان برمی آید که میدان دیپلماتیک، میدان بی ادبی سیاسی، رندی و ناشیگری نیست؛ نمایندگان مجلس صدور قطعنامه را مداخله آشکار در امور داخلی ایران می دانند و این قصه همچنان ادامه دارد...

این همه دستپاچگی و استیصال برای چیست؟ حال که رهبر جمهوری اسلامی، با زیر پا گذاشتن یکی از ارکان ثابت سیاست خارجی نظام یعنی آشتی ناپذیری و عدم مذاکره با آمریکا، و متوسل شدن به نرمشی قهرمانانه و فشردن دست های چدنی شیطان بزرگ زیر دستکش مخملی، جام زهر هسته ای را تا جرعه آخر نوشیده و آماده مصالحه و امتیازدهی می باشد، چرا باید یک قطع نامه غیر الزام آور تا این میزان نگرانی، خشم، رمیدگی، سردرگمی و واکنش را به همراه داشته باشد؟

بیابید برای پاسخ به این سوال نیم نگاهی به متن قطع نامه بیاندازیم: این متن، ضمن استقبال از آزادی چند نفر از زندانیان عقیدتی از جمله نسرین ستوده، از مقامات ایران می‌خواهد همه مدافعان حقوق بشر، زندانیان سیاسی، فعالان اتحادیه‌های صنفی، فعالان کارگری و زندانیان جنبش سبز را آزاد کنند؛ نسبت به شکنجه، محاکمات ناعادلانه از جمله محاکمه وکلا و مدافعان حقوق بشر ابراز نگرانی شدید می‌کند؛ ضمن هشدار نسبت به افزایش اعدام‌ها در ماه‌های پس از ریاست جمهوری حسن روحانی، از اتحادیه اروپا می‌خواهد در روابطش با ایران، مسئله حقوق بشر را در اولویت قرار دهد؛ از ایران می‌خواهد تاریخی را برای حذف کامل مجازات اعدام تعیین کند؛ و دست آخر تاکید می‌کند هر گونه سفر آتی هیئت پارلمان اروپا به ایران باید منوط به تعهد مقامات ایران برای ملاقات با مخالفان سیاسی، فعالان جامعه مدنی و دسترسی به زندانیان سیاسی باشد.

تمکین	به	حقوق	بشر،	خط	قرمز	جمهوری	اسلامی
-------	----	------	------	----	------	--------	--------

از دیدگاه حقوق بشری، قطع نامه فوق یک متن ارزشمند ولی به لحاظ غیرتعهد آور و غیر الزام آور بودن آن، از منظر حقوقی و قانونی، فاقد توان و قابلیت اجرایی بوده و قاعدتا نباید موجب نگرانی شود؛ ولی واکنش شتاب زده و خشم آلود مقامات جمهوری اسلامی در سطوح مختلف نشان داد که این گونه نیست و با توجه به خط قرمز بودن پذیرش اصول و معیارهای جهانشمول حقوق بشر توسط نظام، اگر قرار باشد جمهوری اسلامی از بین دو پرونده حساس حقوق بشر و فناوری هسته ای مجبور به انتخاب باشد بی هیچ تردیدی پرونده هسته ای را فدا خواهد کرد. حاکمان جمهوری اسلامی، دموکراسی خواهی، حقوق بشر، آزادی، جامعه مدنی و طبقه متوسط نیرومند و مستقل، را بزرگ ترین تهدید برای موجودیت خود می دانند چرا که حاضر شده اند بر سر حقوق مسلم خود یعنی برنامه هسته ای، به مذاکره و امتیازدهی بپردازند ولی نمی خواهند در تمکین از اصول دموکراسی و حقوق بشر حتی با اصرار و فشار غربی ها قدمی بردارند.

جمهوری اسلامی که بعد از صرف دلارهای نفتی هنگفت بر روی برنامه اتمی اش حاضر به قربانی کردن آن می باشد؛ به هیچ روی حاضر نیست برای احمد شهید و دیگر ناظران و فعالان و نمایندگان سازمان های حقوق بشری ویزا صادر کند.

جمهوری اسلامی که سفر هیات های اروپایی را فرصتی طلایی برای خروج خود از انزوای سیاسی و دیپلماتیک می بیند و نیاز مبرمی به سفرها و دیدارهای اینچینی دارد با طرح پیش شرط عدم دیدار با فعالان حقوق بشر، باعث لغو سفر هیات پارلمانی هلند در روزهای گذشته می شود.

محمدجواد ظریف که با لبخند ملیح و رفتار حرفه ای و دیپلمات مآبانه خود در صدد ترسیم چهره ای رحمانی، صلح جو و مذاکره گر از جمهوری اسلامی می باشد؛ وقتی به موضوع حقوق بشر می رسد با چهره ای عبوس به هیات های پارلمانی اروپایی می گوید در صورتی که در برنامه خود، دیدارهای غیر رسمی – یعنی دیدار با فعالان و زندانیان سیاسی و حقوق بشر – داشته باشند اجازه سفر به ایران را نخواهد داد. او همچنین در محکومیت دیدار

نمایندگان پارلمان اروپا با نسرین ستوده و جعفر پناهی و دیدار کاترین اشتون با نرگس محمدی و گوهر عشقی، با دیگر عبوسان و ترشرویانیان نظام از احمد خاتمی گرفته تا احمد جنتی و احمد علم الهدی همصدا می شود.

این موارد همگی نشان دهنده سرسختی و آشتی ناپذیری کلیت جمهوری اسلامی با ارزش های حقوق بشری می باشد. جمهوری اسلامی هم از زمان اعلام موجودیت خود، هرگز دغدغه و ادعای توسعه حقوق بشر، آزادی و دموکراسی را نداشته است. همچنانکه بنیانگذار جمهوری اسلامی تاکید داشت درخت تنومند این نظام با خون آبیاری و تقویت شد و آیت الله خمینی بیشترین بهره برداری را از جنگ هشت ساله ایران و عراق و ترویج فرهنگ شهیدپروری در کشور نمود. او که علاقه و عجله ای برای آشتی، مذاکره، مصالحه و پایان دادن به جنگ نداشت؛ تلاش نمود به بهانه خطر دشمن خارجی، مخالفان و رقبای سیاسی خود را قلع و قمع و آزادی های محدود فردی، اجتماعی و سیاسی موجود در کشور را از بین ببرد.

از	دشمن	تراشی	تا	دشمن	هراسی
----	------	-------	----	------	-------

آیت الله خامنه ای، به عنوان میراثدار موهبت خدادادی ولایت فقیه، سعی در تداوم روش مألوف پیشین داشته است؛ ولی تقویت جنبش های تغییرخواهی و اصلاح در بیست ساله اخیر، چالشی جدی را برای حاکم رانی او ایجاد نموده است. از این رو، وی، آزادی خواهی، جنبش دموکراسی گرایی و انتخابات آزاد را به عنوان دشمن شماره یک و چالش اصلی برای رهبری بلامنازع و مادام العمر خود به حساب می آورد. او از دشمن خارجی هراس چندانی ندارد چرا که تهدید واقعی و یا خیالی از سوی دشمن خارجی بویژه برای حکومت های تمامیت خواه، همیشه توده ها را پشت سر یک پیشوا و رهبر متحد نموده است. دشمن خارجی بیشتر از آنکه بتواند چالشی برای حاکمیت جمهوری اسلامی باشد، دستاویز و موهبتی است که برای تحدید آزادیها و سرکوب رقبای داخلی بکار می آید.

دستگاه عریض و طویل رهبری در مواجهه با چالش های حقوق بشری بیکار ننشسته و تکنیک ها و پاتک های خاص خود را توسعه داده تا آمادگی لازم را برای مبارزه با چالش دموکراسی خواهی و مطالبات حقوق بشری اتباع و مایملکات خود داشته باشد. در این چارچوب مفهوم “دشمن” یک عنصر کلیدی بوده و آیت الله خامنه ای، با کمک کارگزاران و تئوری پردازان مزدبگیری از قبیل حسن عباسی و حسن رحیم پورازغدی، استراتژی مدونی از “دشمن تراشی” گرفته تا “دشمن هراسی” را تولید و تدوین نموده است. او بطور بیمارگونه ای واژه دشمن را بکار می گیرد بطوریکه فقط در یک سخنرانی یک ساعته در اولین روز سال ۱۳۹۲، دهها بار از واژه “دشمن” استفاده کرد. پرداختن به مفاهیمی از قبیل انقلاب رنگی، براندازی نرم، ناتوی فرهنگی، دشمن سایبری، تهاجم فرهنگی، توطئه جهانی، شبیخون فرهنگی، انقلاب مخملین و مفاهیمی از این دست در مراکز فرهنگی و آموزشی و سرمایه گذاری های کلان در عرصه های ایدئولوژیک، نشان از ترس عمیق حاکمیت، نسبت به مساله آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق بشر دارد.

خودی،	غیرخودی	و	نخودی
-------	---------	---	-------

تقسیم شهروندان و نیروهای سیاسی به “خودی” و “غیرخودی” نیز از جمله دیگر تکنیک ها و پاتک های مطرح شده توسط نهاد ولایت فقیه برای مبارزه با چالش آزادی خواهی و گفتمان حقوق بشر بوده است. از این منظر، افراد و جریانات تندرو در داخل کشور، مانند انصار حزب الله، سپاه و بسیج، و نیروهای وفادار و بعضاً مزدبگیر خارجی در لبنان، فلسطین و عراق از قبیل حماس، حزب الله، جهاد اسلامی و اخوان المسلمین، و کشورهای ونزوئلا، کوبا، روسیه، ارمنستان و چین به عنوان “خودی” محسوب می گردند. این در حالی است که افراد، گروه ها و جریانات سیاسی، مذهبی، قومی و عقیدتی رقیب، ناهمخوان و معارض از قبیل نیروهای سیاسی و حقوق بشری، چپ، لیبرال و ملی، در داخل کشور و کشور شیعه آذربایجان، چین های مسلمان در روسیه و اویغورهای مسلمان در چین در خارج، به عنوان افراد، گروهها و کشورهای “غیرخودی” طبقه بندی می شوند.

در یک رویکرد پراگماتیستی و ناگزیر، دستگاه دیوان سالاری جمهوری اسلامی دربردارنده طیف وسیعی از نیروهای بی طرف و خنثی از دیدگاه سیاسی می باشد که لزوماً دارای التزام و تعهد نسبت به ارزش های مطرح شده توسط جمهوری اسلامی نیستند ولی در عین حال، نگاه آشکارا خصمانه ای هم نسبت به آن ندارند. این نیروها امکان پیشرفت و ترقی در پست های مدیریتی و کلان در کشور را ندارند ولی در سطوح پایین تر و در سمت هایی که به اندازه کافی نیروهای آموزش دیده بسیجی، سپاهی و کارمند- طلبه وجود ندارد تحمل می شوند. این نیروها به شکل طنزآلودی در ادبیات غیر رسمی جمهوری اسلامی اصطلاحاً “نخودی” نامیده می شوند.

در پایان، به نظر می رسد روند اخیر توجه فزاینده کشورهای اروپایی به مساله حقوق بشر در ایران و گنجاندن آن در بسته های مذاکراتی و عدم تمرکز صرف بر روی پرونده هسته ای ایران، رویه و ابتکاری خجسته می باشد که می تواند نویدبخش افزایش فشارهای هماهنگ بین المللی برای تغییر رویکرد جمهوری اسلامی در قبال موضوع حقوق بشر باشد.

هاشمی

احمد

کارمند سابق وزارت خارجه ایران

<https://www.tribunezamaneh.com/archives/69270>

<http://news.gooya.com/politics/archives/2014/04/178400.php>